

پیام کنگره چهاردهم سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به مردم ایران

چهاردهمین کنگره سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) با گرمی داشت یاد و خاطره همه مبارزان و شهدای سی سال حاکمیت توحش و جنایت اسلامی و خاصه جانباختگان جنبش شکوهمند اعتراضی اخیر برگزار شد.

راه کارگر از آن هنگام که در بطن انقلابی توده ای با هشدار علیه "کابوس فاشیسم" زاده شد تا امروز که سی امین سال موجودیت خویش را با خیزش شکوهمند اعتراضی نوین مردم برای رهایی از سلطه حکومت ولایت مطلقه فقیه و در دست گرفتن حق تعیین سرنوشت خود گرده زده است، همواره از مبارزه مردم الهام گرفته و کوشیده است خدمت گذار رهایی کارگران و زحمتکشان باشد و پرچم نان و آزادی را از دست فرو نگذارد. راست این است که راه کارگر در این راهپیمایی سی ساله اش چون قطره ای از دریای مردم، از این مردم هوشمند و درآشنا و راهکارهای شان در مقابله با استبداد فقهاتی و برای یک زندگی بهتر و قابل تحمل تر بسی آموخته و اندوخته است.

با شما در گورستان های گمنام به خاک افتادیم! با شما در محله های فقر و حقارت و خاکستر، در متن و حاشیه، فریاد آب و نان سر دادیم! با شما به پای چوبه دار و اعدام رفتیم. با پیکرهای پاره پاره جگرگوشه های شما در سیاهچال ها؛ قلب های تپنده ی ما بود که سوخت و خاکستر شد و از درون خاکسترش ققنوس وار دوباره و هزارباره سر برکشید تا هم چنان راهبان فروتن روشنایی و امید به آینده باشد.

و اکنون در خیزش دوباره علیه استبداد و زورگویی، برای حق شهروندی و حق تعیین سرنوشت؛ در حالی که صدای رسای "مرگ بر دیکتاتور" شما رژیم فقهاتی را لرزانده و نظام جمهوری اسلامی بسختی شکاف برداشته است، گرانباترین درس تلخ این راه پیمایی خون سرشت سی ساله را که از شما آموخته ایم با شما در میان می گذاریم: در این سی سال از دره اشک و خون گذشته اید و رنج و مصائب بسیار کشیده اید، حق را تا آن جا که شناخته اید نجوا کرده اید و گاه فریاد؛ و با هر فریاد و در هر خیزش، شلاق ستم بی رحم تر و وحشی تر بر گرده هایتان فرود آمد تا خادمان ریاکار نظام بهره کشی سرمایه داری و سپس گرای قرون وسطایی چند صباحی دیگر بر خون شما سفره رنگین خویش را رنگین تر کنند. پیروزی هنوز به دست نیامده است و به دست نخواهد آمد اگر که نجواها و فریادهای امروزتان، سینه های سپر شده تان در برابر استبداد، قهرمانی فرزندان، زنان، مردان، مادران، پدران و جوانانتان و شجاعت و فداکاری های بی دریغ تان نتواند به بنای سنگرهای پایدار و استوار مقاومت از خودتان و برای خودتان بیانجامد.

برای توده اعماق، برای هیچ بوده گان این سرزمین که در دوره های سیاه سقوط همیشه در شمار نخستین لگدمال شده گان قدرت ها بوده اند و در دوره عروج امید به آزادی و رهایی، نخستین آماج بهره کشی موج سواران قدرت، جز خودسامان یابی راهی برای گریز از بازتکرار این دو چگونگی وجود ندارد. در این نبرد پرشکوهی که درگیر آنیم، لحظه ای غفلت از همبستگی با همه قربانیان استبداد و هم سرنوشت تان و همسنگران روا نیست؛ دشمن بیرحم را که با کودتا علیه حق رای و برانداختن ردای عاریتی جمهورییت در انتظار مردم، بی هیچ پوشش و ردای، لخت و عریان در پی تحکیم سلطه دستگاه ولایت و چکمه پوشان و امنیتی هاست باید هم چنان آماج اصلی خشم و اعتراض و طغیان قرار داد تا فروپاشد؛ و به جدایی و تفرقه در صفوف مبارزه مردم، شایسته است که همانطور "نه" گفت که به کودتای دستگاه ولایت و همدستان امنیتی و نظامی اش. برای حضور نیرومندتر در صحنه اعتراض و درهم شکستن اراده ارتجاعی دستگاه آبروباخته کودتاچی و ناکارا ساختن سرنیزه اش، اسلحه نافرمانی مدنی را در همه جا به کار بست؛ و نیز بر اهمیت جنبش مطالباتی و صنفی و رفاهی و شکل دادن به اعتصابات زنجیره ای در خدمت تقویت فروپاشی دولت کودتایی و حامیانش تاکید کرد. اما هرگز نباید فراموش کنیم که ایجاد تشکل های مستقل مدنی، سیاسی و صنفی، در فرصت های همین جنبش اعتراضی کنونی؛ ایجاد سنگرهایی از مردم و در خدمت مردم و خودسامان یابی مردم، موثرترین راه در حفظ و صیانت از خون های پاک و گرانقدر جوانان این سرزمین است که در راه آزادی و رهایی بر زمین ریخته شده است و بدون آن راهی برای جلوگیری از تاراج دستاوردهای مبارزه و فداکاری های مردم وجود ندارد.

مرداد ۱۳۸۸ اوت ۲۰۰۰